

تأمل در فقه، تحول در حقوق (کتاب)

نویسنده: محمدقاسم مبارز

• چکیده

کتاب **تأمل در فقه، تحول در حقوق**، نوشته ناصر قربان‌نیا، کتابی فقهی و حقوقی به زبان فارسی، تلاش کرده با بهره‌گیری از مبانی و ظرفیت‌های فقهی، پاره‌ای از چالش‌های حقوقی در حوزه زنان و حقوق کیفری را مرتفع سازد؛ از جمله شهادت زنان، حق قضاوت آنان، قصاص و دیات و نیز قتل زن در فراش. هدف از نگارش کتاب، سازگار کردن حقوق و قوانین مدنی جمهوری اسلامی ایران با شرایط معاصر و نشان دادن ظرفیت‌های فقه امامیه بیان شده است.

مواردی از راهکارهای استفاده شده در کتاب عبارتند از: تمسک به فتاوی‌ای خلاف مشهور، تأمل در ادله و اسناد استنباط، توجه به تفاوت شرایط زمانی، مکانی، رسوم، آداب، اخلاق و پیامدهای اجتماعی، و نیز معیار قرار دادن عقل، عدالت، مصلحت، مقاصد شریعت و اصول راهنما.

نویسنده مدعی است که گرچه جنسیت در دین اسلام موجب تفاوت و تبعیض نیست، اما در عین حال پاره‌ای از قوانین چالشی در جمهوری اسلامی، بر مبنای جنسیت تدوین شده، ولی با این حال، فقه امامیه ظرفیت لازم برای رفع چالش‌های حقوقی را دارد.

معرفی اجمالی

کتاب **تأمل در فقه؛ تحول در حقوق**، ابتدا به صورت مقالات علمی، در مجلات و مجموعه مقالات در فاصله سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ ش به چاپ رسید و در سال ۱۳۹۲ ش، در نشر بنیاد حقوقی میزان به شکل کتاب، در ۳۸۴ صفحه، چاپ و منتشر شد. هدف نویسنده از نگارش کتاب، سازگار کردن حقوق و قوانین مدنی جمهوری اسلامی ایران با وضع معاصر و تبیین ظرفیت‌های فقه امامیه عنوان شده است.

دکتر ناصر قربان‌نیا (۱۳۴۳-۱۳۹۴ ش)، استادیار پیشین دانشکده فقه و حقوق، در دانشگاه مفید قم، نویسنده بیش از پنجاه عنوان کتاب و مقاله بوده که دو کتاب اخلاق و حقوق بین‌الملل، و عدالت حقوقی وی، رتبه اول و دوم جشنواره کتاب سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ ش را به دست آورد.

ساختار کتاب

کتاب از یک مقدمه و چهار فصل تشکیل شده که هر فصل شامل چند گفتار است.

مقدمه کتاب، به تعریف فقه، حقوق، رابطه آن دو، و ضرورت بازنگری حقوق در سایه تأمل در ظرفیت‌های فقه اختصاص یافته است. به باور نویسنده، دانش حقوق به عنوان مقررات حاکم بر جامعه مشخص، تنها بخشی از روابط چهارگانه انسان، یعنی رابطه فرد با جامعه و طبیعت را با هدف تحقق نظم و عدالت، به عهده دارد، و در جامعه‌ای دینی مثل نظام جمهوری اسلامی ایران، کارایی و ضمانت اجرایی حقوق در گرو همخوانی با فقه به عنوان

میراث تمدنی و ارزشی جامعه است. بدین ترتیب، فقه با توجه به شرایط زمان و مکان و تحول در آداب، رسوم و اخلاق اجتماعی، نیاز به تأمل و بازنگری دارد.

نویسنده در فصل اول کتاب با عنوان «مباحثی در حقوق زنان»، چالش‌هایی حقوقی در حوزه زنان که تصور نابرابری جنسیتی میان مرد و زن را پدید آورده است، مطرح کرده و به نقد و بررسی ادله آنها پرداخته است؛ از جمله میزان اعتبار شهادت زنان در حق الناس، حدود، قصاص، دیات، حق قضاوت زنان و نابرابری مبتنی بر جنسیت در حدود.

در فصل دوم کتاب، سه مسئله حبس به‌خاطر اسیتفاء قصاص، قتل در فراش، و مجازات در ملأعام مطرح و ادله هر کدام مورد ارزیابی قرار گرفته است.

نویسنده در فصل سوم تحت‌عنوان «دو مبحث فلسفی و جرم‌شناختی» به هدف و چرایی مجازات پرداخته است (ص ۲۵۳). قربان‌نیا، چهار نظریه دفاع اجتماعی، اجرای عدالت مطلقه، ارباب و پیشگیری، و اصلاح و تربیت مجرم را به‌عنوان فلسفه (چرایی) مجازات برشمرد و نوع مجازات اسلامی را جامع این نظریات می‌داند و بر آن است که بدون در نظر گرفتن علل و عوامل فقر و نیز بدون فقرزدایی از جامعه و صرفاً با مجازات نمی‌توان مانع جرم شد.

فصل چهارم کتاب، پرسش و پاسخ و گفتگویی است درباره رابطه فقه و حقوق که قربان‌نیا در این گفتگو ضمن اینکه رابطه فقه و حقوق را عام و خاص من‌وجه معرفی می‌کند.

مبانی نفی تبعیض جنسیتی

قربان‌نیا با تکیه بر پیشفرض‌ها و مبانی دینی، بر آن است که گرچه پاره‌ای از قوانین جمهوری اسلامی ایران بر مبنای جنسیت و تبعیض‌های جنسیتی تدوین شده است، اما با این حال جنسیت در اسلام موجب تبعیض و تفاوت در احکام نیست و تفاوت در احکام به دلایلی دیگر است. مبانی نویسنده عبارتند از:

زن در قرآن؛ همپای مرد

به باور نویسنده، علی‌رغم اینکه حقوق زنان در طول تاریخ مورد ستم قرار گرفته، اما زن در قرآن و منابع دینی همپای و هم‌سرشت مرد معرفی شده و زنان از نظر روحی و روانی همچون مردان قابلیت صعود و نزول دارند. قرآن به نظر وی، زن و مرد را در کمالیابی و عبودیت، هدایت‌پذیری و تقرب، انتخاب حق و باطل و عملکرد، برابر، و آفرینش هر دو را اصیل می‌داند و انسان‌ها بدون دخالت جنسیت خلیفه الهی، مسجود ملائکه و مخاطب قرآن قرار گرفته‌اند؛ بنابراین زنان همچون مردان حق بهره‌مندی از استقلال اقتصادی، سیاسی و حق مشارکت اجتماعی را دارند (ص ۲۶-۳۱).

ظرفیت‌های فقه در رفع چالش‌ها

در کنار دو نگاه به فقه که یکی قوانین فقهی را ناکارآمد دانسته و خواستار کنار نهادن آن از حقوق مدنی شده، و دیدگاه دیگر که قواعد فقهی را مساوی با دین پنداشته و در هر شرایطی ثابت و لازم‌الاجرا می‌داند، دکتر قربان‌نیا اما مدعی است که تأمل در فقه امامیه نشان می‌دهد این فقه ظرفیت لازم برای ایجاد تحول در قوانین نظام اسلامی را دارد (ص ۲۴).

آیات و روایات دال بر منزلت زن

از نظر قربان‌نیا، جنسیت در دین موجب تبعیض نمی‌گردد. وی آیات و روایات زیادی بر فضیلت زن در اسلام و نمونه‌هایی از زنان نمونه در قرآن و روایات را نقل کرده که نشان‌دهنده اهمیت زن و برابری شخصیت او با مرد است (ص ۲۷-۳۱).

به گفته قربان‌نیا، روایات خلاف دیدگاه مزبور، از جمله روایات معروف که زن را ناقص‌العقل معرفی می‌کند، در عین اینکه مخالف آیات و روایات کثیر است، از نظر سند ضعیف بوده و توان مخالفت با دیدگاه قرآنی فوق را ندارد. ثانیاً نقصان عقل زن در این دست روایات، نه امری تکوینی، بلکه به معنای عقل اجتماعی و مدیریتی و ناظر به اموری است که زنان در اثر شرایط فرهنگی، فرصت تبحر و فعالیت در این جنبه را نیافته‌اند (ص ۳۲-۳۴).

عدالت به مثابه مبنای قرآن و شریعت

به عقیده قربان‌نیا، عدالت به عنوان مهمترین اصل و مبنای قرآن و شریعت اسلامی، باید هدف حقوق و قانون‌گذار باشد؛ زیرا قوانینی که صرفاً متکی بر نظم و امنیت باشد و در آن عدالت تأمین نگردد، پایدار نمی‌ماند. بدین ترتیب او بر آن است که در شریعت اسلام، عدل نه تابع احکام، بلکه حاکم بر احکام، و از مقیاس‌های اسلام است.

چنانکه نویسنده گفته، بسیاری از قوانین فقهی و حقوقی مربوط به حوزه زنان که شائبه ناعدالتی در آن وجود دارد، از قطعیت انتساب لازم برخوردار نیست. بنابراین عدالت مهمترین مبنای نظری قربان‌نیا در دفاع از حقوق زن و اصلاح قوانین است (ص ۳۴-۳۸).

تحولات جامعه و نیاز زمانه

معیار دیگری که به باور نویسنده، تحول و بازنگری در فقه و قانون را ضروری می‌نماید، و به تبع، به رفع چالش‌های فوق می‌انجامد، توجه به تغییر مفاهیم و مصادیق ارزشی، آداب و رسوم اجتماعی و نیاز زمان در مقام استنباط و قانون‌گذاری است. بر این اساس، وقتی قرآن دستور معاشرت به معروف می‌دهد، معروف این زمان با هزار سال پیش متفاوت است؛ تحول در مفهوم قیومیت مردان از ریاست به مکلفیت، تغییر نگاه تملیکی به زنان، تغییر نگاه‌ها به مجازات رجم، تغییر شئون قاضی و مصادیق نفقه و نیز تفاوت میزان سواد و توان زنان در تولید اقتصاد و امور اداری، از جمله این موارد است (ص ۴۳-۴۸ و ۸۲).

نویسنده معتقد است در مواردی که نص صریح وجود دارد، تردیدی نیست که باید عملی شود، اما قلمرو وسیعی وجود دارد که یا حکم قطعی و ثابت ندارد، یا پدیده‌ای نوظهور است که هیچ حکمی ندارد، که در این موارد فقها و قانونگذاران بر اساس نیاز زمانه می‌توانند اجتهاد کرده و قانون مناسب وضع کنند؛ از جمله در سفر دختران مجرد جهت ادامه تحصیل و زیارت در خارج کشور و ریاست جمهوری زنان.

فتاوی خلاف مشهور

نویسنده ضمن اینکه میان شرع و فتوای فقها تفکیک قائل می‌شود، معتقد است قانونگذار در جمهوری اسلامی ایران فتوای مشهور را معیار قرار داده است. اما به نظر نویسنده، در صورتی که فتوای مشهور جزء ضروریات و مورد اجماع نباشد، می‌توان از فتاوی خلاف مشهور که با عدالت همسازی بیشتری دارد، در قانونگذاری استفاده کرد (ص ۵۱). بر این

اساس وی در میان استنباطات فقها فتاوایی در راستای رویکردهای خود یافته تا چالش‌های مزبور را رفع کند.

قربان‌نیا مواردی از قوانین چالشی را نام برده که بر اساس فتوای مشهور تدوین شده است. به گفته او، فتواهای خلاف مشهور در این موارد با عدالت و شرایط زمانه سازگارتر است و می‌تواند مبنای قانون‌گذاری قرار گیرد؛ از جمله بلوغ دختران در نه سالگی، تفاوت در مقدار و نوع ارث‌بری زن و شوهر، و حق حضانت مادر (ص ۵۲-۵۷).

عقل و بنای عقلا

به گفته نویسندگان، در موارد اختلافی می‌بایست ادله‌ای را ترجیح داد که با عقل و بنای عقلانی سازگاری داشته باشد (ص ۱۰۰-۱۰۱).

چالش‌های حقوق زنان

قربان‌نیا در کتاب خود به مواردی از چالش‌های فقهی زنان پرداخته و با تکیه بر ابزارهای فقهی به حل تبعیض موجود در احکام فقهی پرداخته است. این موارد عبارتند از:

شهادت زنان

به طور کلی تفاوت ارزش شهادت زن و مرد در امور کیفری، در قانون جمهوری اسلامی ایران و فقه اسلامی، به دو شکل منعکس شده است: الف. مواردی که شهادت زن فی‌الجمله پذیرفته شده، اما ارزش شهادت مرد را ندارد؛ مثلاً در ماده ۷۴ و ۷۵ قانون مجازات در مورد حد زنا، شهادت دو زن برابر با شهادت یک مرد است. ب. مواردی که شهادت منحصر به مردان است و شهادت زنان اصلاً پذیرفته نیست؛ مثل اثبات زنا، لواط، مساحقه، قوادی، قذف، شرب خمر، افساد فی الارض، سرقت موجب حد، و قتل عمد در قانون مجازات اسلامی.

الف. شهادت زنان در حق‌الله (حدود) و حق‌الناس

نویسندگان در یک دسته‌بندی، حق‌الله و حق‌الناس را مبنا قرار داده است: ۱. در جرائمی که مربوط به حق‌الله است - مثل حدود -، قاعده کلی عدم پذیرش شهادت زنان است، مگر اینکه دلیل و روایت خاص داشته باشد. ۲. در حق‌الناس، مثل دعاوی وکالت، وصیت و... میان فقها اختلاف وجود دارد و ناشی از اختلاف در روایات است. ۳. در برخی موارد، مثل امور مالی و اثبات زنا، پذیرش شهادت زن نیاز به ضمیمه شدن به شهادت مرد دارد.

ب. شهادت زنان در قصاص و دیات

قربان‌نیا درباره ارزش شهادت زنان در قصاص و دیات چهار دیدگاه فقهی را مطرح کرده است:

۱. عدم اعتبار شهادت زنان در قصاص و دیات به صورت مطلق.

۲. اعتبار شهادت زنان در قصاص و دیات به صورت مطلق.

۳. اعتبار شهادت زنان در دیات و عدم اعتبار در قصاص (قانون مجازات اسلامی).

۴. اعتبار شهادت زنان در قصاص و دیات به انضمام شهادت مرد و عدم اعتبار آن

به‌طور مستقل.

نویسنده ضمن بررسی مستند چهار دیدگاه، معتقد است مستند دیدگاه اول و دوم، روایات متفاوت و متعارض است، اما دیدگاه سوم و چهارم بر حل تعارض روایات بنا شده است. وی پس از بررسی مستندات دیدگاه چهارگانه، خود دیدگاه دوم، یعنی اعتبار شهادت زنان در قصاص و دیات به‌صورت مطلق را ترجیح می‌دهد. دلیل رجحان وی، قوت مستندات قول دوم و سازگاری آن با بنای عقلا و مرتکبات عقلایی است.

ج. تأسیس اصل

با توجه به اختلاف روایات و دیدگاه‌ها در مورد شهادت زنان، ناصر قربان‌نیا معتقد است در مواردی اینچنینی که با اطمینان نمی‌توان گفت آیا شهادت زنان اثبات کننده دعوا است یا نه، باید به اصل متوسل شد. وی در این باره از میان سه اصل ۱. عدم پذیرش شهادت زنان به‌طور کل، ۲. عدم پذیرش شهادت در حق‌الله و پذیرش در حق‌الناس، و ۳. اصل پذیرش شهادت زنان، سومی را برگزیده و آن را مبتنی بر رویکرد کلی قرآن، اغلب روایات و برخی فتاوا می‌داند (ص ۱۰۲-۱۰۵).

د. نتیجه

قربان‌نیا، درباره دلایل تفاوت ارزش شهادت مرد و زن، به بررسی آیات و روایات پرداخته است. در میان آیات ناظر بر شهادت، تنها آیه «دین» به شهادت یک مرد در برابر دو زن صراحت دارد که به نظر قربان‌نیا، این یک آیه هم نه در مقام بیان حجیت و کیفیت شهادت و ادای شهادت در محکمه، بلکه در مقام یک امر ارشادی و تحمل شهادت است؛ زیرا در آیه اصلاً بحث دعوا و مخاصمه نیست. وی با طرح احتمالات دیگر همچون اختصاص حکم به مورد غلبه نسیان زنان و امور مالی و...، تلاش کرده است ارزش مضاعف شهادت مرد بر زن در این آیه را منتفی بیان کند.

گرچه روایات دال بر نابرابری شهادت مرد و زن زیاد است، اما به نظر نویسنده، برخی از این روایات ضعیف‌السند و برخی با آموزه‌های مسلم دینی منافات دارد. از دید او، نهایتاً روایات نیز بیش از آیه دلالت ندارد.

نویسنده، در نهایت چنین نتیجه می‌گیرد که اولاً شهادت نوعی تکلیف است نه حق و امتیاز، ثانیاً محدودیت شهادت زنان صرفاً مربوط به حدود (حق‌الله) است و محدودیت شهادت زنان در این باب نه به‌خاطر محدودیت حقوق زنان و نابرابری مرد و زن، بلکه به‌خاطر ویژگی حدود است؛ زیرا حکمت اصلی حدود اصلاح مجرم، توبه و مستور ماندن جرائم است، و بدین ترتیب اهمیت عرض مجرم، لزوم چشم‌پوشی از ثبوت جرم و تخفیف قائل شدن شریعت در این مورد، موجب محدودیت در پذیرش شهادت زنان شده است. نویسنده اما توضیح نداده است

که اگر محدودیت به خاطر ویژگی حدود و حق الله است، چرا این محدودیت فقط در شهادت زنان اعمال می‌شود نه مردان.

حق قضاوت زنان

به باور قربان‌نیا، حق قضاوت زنان در قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران بر اساس فتاوی مشهور تعریف شده است. در این قوانین، با وجود تحولات و اصلاحات متعدد، اما همچنان زنان حق دخالت در کار با ماهیت قضایی و صدور رأی ندارند (ص ۱۱۶-۱۱۷).

قربان‌نیا، ضمن نقل دیدگاه مشهور فقهای امامیه و عامه، به بررسی ادله و مستندات این دیدگاه پرداخته است. به باور نویسنده، مستندات و ادله، دیدگاه مشهور را که قائل به عدم جواز قضاوت زنان هستند، ثابت نمی‌کند. این مستندات در دیدگاه مشهور عبارت است از:

۱. آیات قرآن: به آیاتی از جمله ۳۴ سوره نساء (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ)، ۲۲۸ سوره بقره (وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ)، ۳۳ احزاب (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ) و آیه ۱۸ سوره زخرف، چنین استدلال شده است که به دلیل برتری و فرونی نیروی تعقل و تحمل مرد در برابر سختی‌ها، قیومیت مرد، محدود به روابط زن و شوهر نیست، بلکه در روابط اجتماعی و جهات عمومی مثل حکومت و قضاوت نیز مردان قیّم زنان‌اند، و زنان با توجه به احساساتی بودن، قاطعیت و صلاحیت لازم برای قضاوت را ندارند و خانه‌نشینی برای آنان توصیه شده است.

اما نویسنده منصب قضاوت را نامربوط به قیّم بودن دانسته و با استناد به نظر برخی فقهای معاصر، و شواهد در متن قرآن، دو آیه اول را منحصر به روابط زن و شوهر می‌داند. نویسنده، برداشت دیدگاه مشهور از آیات دوم و سوم را نوعی استحسان می‌داند که با وضعیت جامعه امروز که بیشتر زنان دارای توانایی‌های فکری و تصمیم‌گیری هستند، سازگاری ندارد (ص ۱۲۲-۱۲۸).

۲- روایات: دلایل دوم فتاوی مشهور در عدم جواز قضاوت زنان، روایات است؛ در حالی که نویسنده مدعی است حتی به یک روایت معتبر دست نیافته که دلالت صریح و روشن داشته باشد (ص ۱۵۴).

۳. اجماع، نقصان تکوینی عقل زنان، سیره، عدم خروج زن از منزل و اصل عدم نفوذ قضاوت زنان، از دیگر دلایل فتوای مشهور در این مورد است که به نظر قربان‌نیا، این دلایل غیرثابت، غیرکافی و بیشتر استحسانی است. نهایتاً نویسنده معتقد است به فرض اثبات نظر مشهور، اما امروز قضاوت ماهیتی متفاوت از قضاوتی یافته است که در فقه مطرح است؛ چرا که امروزه قاضی بیشتر مجری قانون است تا فقیه.

قصاص و دیات

به گفته قربان‌نیا، در حوزه قصاص و دیات در قانون مجازات اسلامی، در چهار مسئله میان زن و مرد تفاوت آشکار وجود دارد: ۱. قصاص نفس: قصاص مرد توسط اولیای زن مقتول، مشروط به پرداخت فاضل دیه است، اما در قصاص زن چنین شرطی وجود ندارد. ۲. دیه زن نصف دیه مرد است. ۳. پدر در برابر قتل فرزند قصاص نمی‌شود اما مادر قصاص می‌شود. ۴. قتل در فراش مخصوص شوهر است، و زن اگر شوهرش را با زن اجنبی حتی به صورت نامشروع در فراش ببیند، حق قتل ندارد.

قربان‌نیا در این موارد بر آن است که:

۱. در مسئله قصاص، طبق آیات قرآن، عقل و عدالت، به هیچ‌وجه تفاوتی میان زن و مرد استنباط نمی‌شود و اجماعی که ادعا شده نیز چون متکی بر روایات است ارزش ندارد. بنابراین، تنها دلیل مشهور، روایات صریح و مستفیض است. قربان‌نیا با استناد به نظرات یکی از فقیهان معاصر، روایات در این باب را مخالف کتاب، سنت، عقل، عرف عقلا، و اصول مسلم اسلام معرفی می‌کند (ص ۱۶۰-۱۶۱).

۲. گرچه در مورد دو برابر بودن دیه مرد بر زن، میان فقهای امامیه و عامه اتفاق نظر وجود دارد، اما این تفاوت نه به‌خاطر جنسیت و اهمیت ذاتی مرد، بلکه به‌خاطر جایگاه اقتصادی وی در خانواده است. اما در فرض اینکه جایگاه اقتصادی زن و مرد برابر باشد، آیا دیه زن و مرد برابر خواهد بود یا نه؟ قربان‌نیا معتقد است اصل دیه جزء امور ثابت‌ه دین و مقدار آن جزء امور متغیر دینی است و بنابراین شرکت‌های بیمه موظف به پرداخت دیه برابر هستند (ص ۱۶۶-۱۶۸).

۳. قربان‌نیا با اشاره به اینکه طبق فتوای مشهور و قوانین مدنی جمهوری اسلامی که بر اساس دیدگاه مشهور تدوین شده است، پدر در مقابل قتل فرزندش قصاص نمی‌شود ولی مادر قصاص می‌شود، نظریه خلاف مشهور را ترجیح داده که بر اساس آن، مادر نیز در برابر قتل فرزندش قصاص نمی‌شود و آن را با حکمت عدم قصاص و قاعده درء و احتیاط سازگارتر دانسته است (ص ۱۷۰).

قتل در فراش

موضوع قتل در فراش، که طبق فتوای مشهور، در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی ثبت شده، مورد انتقاد جدی قربان‌نیا قرار گرفته است. به‌گفته وی، حکمت و مبنای جواز قتل در فراش، طبق فتوای برخی فقهای امامیه و عامه، یکی از سه امر تحریک و عصبانیت روحی شوهر، دفاع از عرض و ناموس، و اقامه حدود الهی ذکر شده است؛ در حالی که معیار و شرایط جواز قتل در هیچ‌یک از مبنای فوق رعایت نشده است. به باور وی، این قتل خلاف اصل، و امری استثنایی محسوب می‌گردد که فقها در توجیه آن به ادله و روایات ضعیف تمسک کرده‌اند. به گفته وی، مستندات غیر قابل اعتماد در این زمینه سبب شده است که امثال سید ابوالقاسم خوئی و حسینعلی منتظری از صدور فتوای جواز قتل در فراش خودداری کنند (ص ۱۷۱-۱۷۴).

حقوق و قوانین کیفری

نویسنده علاوه بر پرداختن به مباحث و چالش‌های مرتبط با زنان، به پاره‌ای موضوعات در حقوق و قوانین کیفری نیز پرداخته است؛ از جمله:

۱. حبس: ناصر قربان‌نیا، ضمن بررسی دلایل و عوامل حبس و فروعات آن، معتقد است که هر چند بر اساس فقه اسلامی مجازات زندان در مواردی مجاز شمرده شده، اما با توجه به کرامت و آزادی ذاتی انسان و ناکارآمدی حبس در اصلاح و تربیت و پیشگیری جرم و با توجه به اینکه حبس‌ها اکثراً عنوان تعزیری دارند، قانونگذار می‌تواند مجازات حبس را به حداقل رسانده، راهکاهای جایگزین و کارآمدتر بیابد.

۲. مجازات در ملأعام: نویسنده ضمن نقد ادله این نوع مجازات، معتقد است بر اساس آنچه از روایات به دست می‌آید، نفس مجازات مطلوبیت ندارد، بلکه بازدارندگی و اصلاح مجرم هدف اصلی شارع بوده است که این مهم امروزه با مجازات در ملأعام نه تنها قابل دستیابی نیست، بلکه اثر معکوس دارد. بنابراین اجرای مجازات علنی در غیر جرم زنا - که دلیل قرآنی دارد - هیچ مستند قانونی ندارد (ص ۲۴۴).

۳. نتیجه: در مورد مجازات اسلامی، آنچه از نظر نویسنده مهم است، اصول حاکم بر مجازات است. این اصول عبارت است از: همخوانی مجازات با هدف آن، تناسب جرم و مجازات، بازدارندگی و اصلاح مجرم و رعایت اقتضای فرد، جامعه و شخصیت مجرم. وی بخشش مجازات فرد پشیمان (تائب)، مجنون، مجرم شبهه‌دار و قسامه را منطبق با همین اصول می‌داند.

ارزیابی کتاب

۱. با وجود دقت نویسنده و رعایت قواعد و ریزه‌کاری‌های اصولی در استدلال‌ها و اثبات مدعای خویش، اما معیار مشخصی برای ارائه دلیل اتخاذ نکرده است؛ لذا گاهی با فتوای مخالف، ادعای خویش را ترجیح داده، گاهی با آیات و روایات، گاهی از طریق مبانی و فلسفه احکام و گاهی از طریق لوازم و پیامدهای اجتماعی یک قانون.

۲. باتوجه به اینکه کتاب حاصل مقالات پراکنده است، نظم مطالب و فصل‌بندی کتاب چندان مطلوب نیست. مثلاً مناسب بود بحث فلسفه مجازات و تحلیل جرم در ابتدای کتاب قرار گیرد تا فلسفه و مبانی جرم و مجازات برای خواننده در همان ابتدا روشن گردد. اما این بحث در فصل سوم قرار گرفته است. همچنین برخی مطالب مثل قتل در فراش، هم در فصل اول (ص ۱۷۱) و هم در فصل دوم (ص ۲۱۲) ذکر شده است.

منابع

- قرآن کریم
- «دکتر ناصر قربان‌نیا که بود؟»، خبرگزاری رسمی حوزه، ۳۰ دی ۱۴۹۲ ش.
- «ناصر قربان‌نیا»، سایت دانشگاه مفید. دپارتمان حقوق (۱۳۸۰-۱۳۹۴).